

سیر تحول
عرفان هندی

سورندراناث داسگوپتا

ترجمه

دکتر ابوالفضل محمودی

تهران

۱۳۹۴

۲۱ الهیات (ادیان و عرفان)

Dasgupta, Surendranath

سرشناسه: داسگوپتا، سورندراناث، ۱۸۸۵-۱۹۵۲ م.

عنوان و نام پدیدآور: سیر تحول عرفان هندی / سورندراناث داسگوپتا؛ ترجمه ابوالفضل محمودی.
مشخصات نشر: تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی؛ قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: شش، ۱۵۸ ص

فروست: «سمت»؛ ۱۸۷۳. الهیات (ادیان و عرفان): ۲۱.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۰۰۱۲۲۷-۰۲ ۴۵۰۰۰ ریال.

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی:

یادداشت: واژه‌نامه.

یادداشت: نمایه.

موضوع: عرفان هندی

موضوع: عرفان بودایی

شناسه افزوده: محمودی، ابوالفضل، ۱۳۳۸-، مترجم.

شناسه افزوده: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.

شناسه افزوده: دانشگاه ادیان و مذاهب

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۴ ۹ س ۲۰۱۵/د ۲ BL

رده‌بندی دیوبی: ۱۴۹/۳۰۹۵۴

شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۸۶۵۳۴



Hindu Mysticism; Surendranath Dasgupta. New York: F. Ungar Pub. Co. 1959.

سیر تحول عرفان هندی

نویسنده: سورندراناث داسگوپتا

مترجم: دکتر ابوالفضل محمودی (عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات تهران)

ویراستار: دکتر ملیحه معلم

سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی و دانشگاه ادیان و مذاهب

چاپ اول: بهار ۱۳۹۴

تعداد: ۱۰۰۰

حروفچینی و لیتوگرافی: «سمت»

چاپ: مهر (قم)، صحافی: زرین (قم)

قیمت: ۴۵۰۰۰ ریال. در این نوبت چاپ قیمت مذکور ثابت است و فروشندگان و عوامل توزیع مجاز به تغییر آن نیستند.

هر شخص حقیقی یا حقوقی که تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ناشران، نشر یا بخش یا عرضه یا تکثیر یا تجدید چاپ نماید، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

تهران، بزرگراه جلال آل احمد، غرب پل یادگار امام (ره)، روبه‌روی پمپ گاز، سازمان مطالعه و

تدوین (سمت)، کد پستی: ۱۴۶۳۶، تلفن: ۴۴۲۴۶۲۵۰، نمابر: ۴۴۲۴۸۷۷۷.

نشانی:

www.samt.ac.ir

info@samt.ac.ir

قم، پردیسان، روبه‌روی مسجد امام صادق (ع)، دانشگاه ادیان و مذاهب، تلفن: ۰۲۵-۳۲۸۰۲۶۱۰

press@urd.ac.ir

www.urda.ac.ir

نمابر: ۰۲۵۳۲۸۰۳۱۷۱

پیام پژوهش

نیاز گسترده دانشگاهها به منابع و متون درسی در رشته‌های علوم انسانی و محدود بودن امکانات مراکز علمی و پژوهشی که خود را موظف به پاسخگویی به این نیازها می‌دانند، ایجاب می‌کند تا امکانات موجود با همکاری دانشگاهها و مراکز پژوهشی در مسیر اهداف مشترک به خدمت گرفته شود و افزون بر ارتقای کیفی و کمی منابع درسی، از دوباره کاری جلوگیری به عمل آید.

به همین منظور، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) و دانشگاه ادیان و مذاهب چهارمین کار مشترک خود را با ترجمه و انتشار سیر تحول عرفان هندی به جامعه علمی کشور عرضه می‌کند.

کتاب حاضر برای دانشجویان رشته‌های ادیان و عرفان، عرفان و تصوف و ادیان غیر ابراهیمی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری به عنوان منبع کمک‌درسی دروس «ادیان هند و بودایی»، «عرفان و اخلاق در ادیان غیر ابراهیمی»، «تاریخ و اندیشه‌های ادیان هند» و «عرفان تطبیقی» و برای پژوهشگران، طلاب علوم دینی، استادان و سایر علاقه‌مندان به اندیشه‌های عرفانی منبعی قابل اعتماد و مفید است.

ضمن تشکر از مترجم محترم، آقای دکتر ابوالفضل محمودی، از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود ما را در اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری نمایند.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه مترجم
۵	پیشگفتار
۱۱	فهرست تحلیلی مطالب
۱۹	گفتار اول: عرفان مرتبط با آیین قربانی
۴۱	گفتار دوم: عرفان اویشدها
۶۱	گفتار سوم: عرفان یگه
۷۸	گفتار چهارم: عرفان بودایی
۹۸	گفتار پنجم: گونه‌های کهن عرفان عاشقانه
۱۱۸	گفتار ششم: عرفان عاشقانه مردمی
۱۴۳	فرهنگ اعلام و اصطلاحات
۱۵۹	نمایه اعلام و اصطلاحات

مقدمه مترجم

امروزه گرایش روزافزون به عرفان و امور معنوی، به ویژه در میان جوانان، به خودی خود امری مبارک و فرخنده است و می تواند فرصتی باشد برای مرییان و مدیران تربیتی جامعه؛ اما همچون هر زمینه دیگری که اقبال جامعه را در پی دارد، می تواند آفتها و آسیبهایی نیز داشته باشد. به نظر می رسد مواجهه آگاهانه تنها راه برخورد درست با این آسیبهاست؛ این آگاهی با تکیه بر آثار اصیل و نوشته های دانشمندان، و نه مبلغان و دکانداران، حاصل می شود. ترجمه حاضر گامی کوچک در این مسیر است.

سورندراناث داسگوپتا (۱۸۸۵-۱۹۵۲) مؤلف این اثر برای دانشجویان و استادان ادیان و همه کسانی که در حوزه دین و فرهنگ هندی مطالعه و پژوهش می کنند آشناتر از آن است که نیازمند معرفی باشد؛ او دارای آثار متعددی است از جمله کتاب پنج جلدی *A History of Indian Philosophy* که مهم ترین اثر در زمینه تاریخ فلسفه هندی است. میرچا الیاده، دین شناس برجسته و سرویراستار کتاب مشهور *دایرةالمعارف دین (Encyclopedia of Religion)* بیش از سه سال در محضر و منزل وی شاگردی کرده است و در آغاز رساله دکتری خود درباره ییگه، از او به عنوان «استاد» و «گورو»ی خود یاد می کند. دو اثر دیگر داسگوپتا عبارت اند از: *Yoga as Philosophy and Religion* (1924)،

و دیگر

Indian Idealism (1938).

اثر حاضر خلاصه ای از مهم ترین جنبه های برخی از مهم ترین عرفانهای هندی است که سیر تحول و تکامل اندیشه معنوی هندی را، که خود بنیان بسیاری از معنویت گرایهای جدید است، همراه با فراز و فرود آن نشان می دهد. فصل اول

نشان‌دهنده مرحله ابتدایی شکل‌گیری عرفان هندی و به تعبیر داسگوپتا شکل فروتر آن است. دوره اوپنیشدی که فصل دوم بدان اختصاص دارد، بیانگر نقطه عطف مهم در عرفان هندی است. در این دوره برخی از مفاهیم اساسی عرفان هندی همچون وحدت، نفی کثرت، همانی «من» یا آتمن با برهمن، تناظر انسان و جهان یا عالم صغیر و کبیر، حقیقت مطلق لا یوصف، که تنها با عبارات سلبی و بیان تنزیهی می‌توان از آن یاد کرد، معرفت به مثابه اصلی‌ترین راه رهایی و ... در متون اوپنیشدی مطرح شد. این عرفان بعدها شکل نهایی خود را در مکتب ودانته، به ویژه ادویته ودانته شنکره، که خود را مفسر و پیرو اوپنیشدها می‌دانست، ادامه یافت.

به موازات پیدایش اندیشه‌های اوپنیشدی سه جریان عرفانی دیگر با مبانی متفاوت، اما همچون اوپنیشدها با هدف رهایی از سنساره یا فرایند باززایی، در هند به حیات خود ادامه دادند. یکی از آنها مکتب یوگه بود که شاید ریشه‌های آن به پیش از دوره اوپنیشدها و حتی پیش از حضور آریاییها در هند باز می‌گشت. این مکتب بعدها با پذیرش مبانی ثنوی مکتب سانکهایه به مکتبی دوگانه‌گرا؛ یعنی باورمند به اصالت و ازلیت دو حقیقت پوروشه و پرکرتی، یا روح و ماده، تبدیل شد و در پی آن بود تا با مراقبه و تمرکز (براساس روشهای عملی خاص خود) از دوگانگی رها و به بازشناخت خود حقیقی خویش و سرانجام به رهایی دست یابد. جریان عرفانی دیگر مکتب بودا بود که به ظاهر، درست در نقطه مقابل اندیشه‌های اوپنیشدی، منکر وجود آتمن (خود حقیقی) و هر گونه حقیقت مطلق و دگرگون‌ناپذیر شد. این مکتب با محور قرار دادن مسئله رنج آدمی در پی درمان آن بود و پرچنا یا معرفت به حقایق یا نشانه‌های هستی را راه درمان آن می‌دانست و با طرح راههای هشتگانه در پی وصول به پرچنا، رهایی همیشگی از رنج و نیرواته بود. هرچند که در گذر زمان، به ویژه در مکتب مهاییانه (فرقه اکثریت) با برجسته شدن مفاهیمی چون تری کایه (سه پیکر) و بُدهیستوه (ذات) در مسیر بودا شدن) در هدف، روش سلوکی و نیز مبانی آن دگرگونیهای مهمی به وجود آمد؛ مثلاً پرچنا جایگاه اولیه و برجسته خود را به کرونا، یا مهر و شفقت و ایثار داد. جریان سوم (که مؤلف به طور مستقل بدان نپرداخته است) مکتب جین یا پیروان مهاویره بودند که تقریباً نزدیک به زمان بودا پدیدار شد و آن نیز با تأکید بر

دو گانه جیوه و آجیوه یا جاندار و بی جان می کوشید تا با ریاضتهای سخت و توانفرسا آرایشها و کدورتهای غرضی جیوه، که آن را حقیقت اصلی انسان می دانست، بزدايد و نابی، درخشش و آگاهی سرشتی آن را بازیافته و سرانجام به رهایی کامل واصل نماید. گفتارهای سوم و چهارم به این موضوعات اختصاص دارد.

پیدایش بهکتی، یا معنویت متکی به پرستش عاشقانه خداوند، نقطه عطف دیگری در تاریخ معنویت گرایی هندوست. این طریقت که رگه های اولیه آن را می توان در متون کهن هندی و حتی وداها مشاهده کرد، به عنوان یک راه، اولین بار در بهگود گیتا (مربوط به قرن پنجم تا دوم ق.م) نمود یافت و بعدها در متون پورانه ای همچون بها گوته پورانه (حدود قرن دهم میلادی) بسط و گسترش یافت. با این همه گسترش عملی این طریقت، که به گمان برخی پژوهشگران بی ارتباط با حضور صوفیان مسلمان در هند نیست، با جنبش آلوارهای^{*} ویشنویی و ناینمارهای^{*} شیوه ای (قرون پنجم تا نهم م.) آغاز و در آموزه ها و روشهای حکیمانی چون رامانوجه، نیمبار که، مدفوه، وگبه، چیتیه، و نیز مکتبهایی چون لینگایت و شیوه سیدهانته ادامه، و در زندگی و سلوک عملی مجذوبان و شیدایان شوریده ای چون نامدیو، توکارام، کبیر، روی داس، میرابای، تولسیداس، و دیگران تجلی و ظهور عینی یافت. دو فصل آخر به این طریقت پرداخته است.

اما درباره ترجمه اثر، کوشش مترجم بر آن بود تا در کنار روانی و روشنی ترجمه هر چه بیشتر بر دقت و امانت داری پایبند باشد، از این رو سعی شد تا اثر حتی در امور شکلی و ساختاری به همان صورت اصلی حفظ شود. تنها دو تغییر (به گمان بنده مفید) داده شد؛ یکی گذاردن نشانه های آوایی برای اصطلاحات سنسکریت، که مؤلف به دلیلی که در مقدمه به آن اشاره کرده از کاربرد آن خودداری کرده است، و دیگر افزودن فرهنگ توصیفی اعلام و اصطلاحات متن، که به پیشنهاد استاد معظم و ارجمندم، جناب دکتر فتح الله مجتبایی، تهیه و به پایان اثر افزوده شد.

سخن آخر اینکه در آماده سازی این اثر باید سپاسگزار دوستان و ارجمندان

باشم که هر کدام به گونه‌ای به بنده یاری رساندند؛ سرکار خانم دکتر معلّم که با پذیرش زحمت ویرایش اثر از خطاهای آن کاسته، بر وضوح و شیوایی آن افزودند؛ سرکار خانم دکتر لاجوردی که در پاره‌ای عبارات از مشاوره سودمندشان بهره‌مند شدم؛ جناب آقای میرقیصری که زحمت صفحه‌بندی را عهده‌دار بودند و سرانجام مسئولان و دست‌اندرکاران سازمان «سمت» و دانشگاه ادیان و مذاهب که در این شرایط نه چندان مساعد نشر، انتشار اثر را به شیوه‌ای مناسب پذیرا شدند. خداوند یارشان باد.

ابوالفضل محمودی

هشتم تیر ۱۳۹۳

www.ketab.ir

پیشگفتار

هم در اروپا و هم در امریکا هندوان با عرفان تداعی می‌شوند، اما تا جایی که من می‌دانم، تا کنون با عرفان هندی، نه به شکل یک مقدمه کلی و نه به صورت یک ارزیابی جامع، برخورد نظام‌مندی نشده است. قاعدتاً مردم کوچه و بازار نمی‌توانند میان صورتهای والاتر و فروتر عرفان فرق نهند. آنها به عرفان، به طور کلی، با نوعی تقدیس یا احترام توأم با خرافات می‌نگرند و آن را روشی مبهم و فراطبیعی می‌پندارند که به وسیله آن به شیوه‌ای توضیح‌ناپذیر، کارهایی اعجاز‌آمیز انجام می‌شود یا مزایایی مادی به دست می‌آید؛ ارواح مردگان دیده می‌شوند، بخت و اقبال گشوده می‌گردد، نیروی بازوان افزایش می‌یابد، بدون زحمت و کوشش ثروت حاصل می‌شود، بیماریهای خطرناک و درمان‌ناپذیر با یک طلسم یا دعای ساده درمان می‌گردد، پیشگوییهای خطاناپذیر انجام می‌شود و همانند این امور. نمی‌خواهم بگویم آیا چنین پدیده‌هایی امکان‌پذیرند یا خیر، زیرا بحث فعلی من نه درباره واقعیتها که درباره باورهاست. اما اعم از آنکه این پدیده‌ها واقعاً رخ دهند یا رخ ندهند، گویای این باورند که برای رسیدن به سود و منفعت، راه میان‌بری از طریق نیروهای اسرارآمیز، فراطبیعی و اعجاز‌آمیز وجود دارد که برای عقل دست نیافتنی است. این نوع عرفان را من عرفان فرو دست می‌خوانم، زیرا اهدافی که دنبال می‌کند تنها رسیدن به منافع فرو دست دنیوی است. دیدگاه دیگر و جدای از آن، این باور است که حقیقت برین یا وقوف^۱ و تحقق^۲ نهایی (ماهیت آن هر چه که باشد) تنها از راه عقل به دست نمی‌آید بلکه راههای دیگری برای آن وجود دارد، مثل مهار

1. realisation

2. fulfilment

استوار و پایدار اراده، پرورش احساسات درست، یا ترکیب هردوی اینها، و یا این دو با هم در کنار برترین کارکردهای عقل. این عرفان برتر و راستین است، زیرا در جهت آزادی روح و دستیابی به برترین سعادت است.

عرفان در اروپا شرح حال روشنی دارد. بهرغم گوناگونی انواع آن، می‌توان آن را تقریباً چنین وصف کرد که بر این باور است که خداوند را از راه مشارکت جذبه‌ای^۱ می‌توان دریافت. از نظر عارفان مسلمان، عارفان مسیحی و عارفان مشرب عشق و پرستش یا بهکته‌های هند، شهود خداوند و فیض الهی از طریق مشارکت عاشقانه^۲ یا وجد و جذبه عاشقانه در انواع گوناگونش دست یافتنی است. اما در همه این عارفان حس پرشوری نسبت به ضرورت صفای ذهن، رضایت و خرسندی، جد و جهد مدام برای کارهای خوب اخلاقی، انکار نفس و تنها خدا را در نظر داشتن مشاهده می‌کنیم. هیچ عرفان راستینی نمی‌تواند بدون عظمت راستین اخلاقی وجود داشته باشد. بنابراین، این عرفان را باید از باورهای موهومی همچون اینکه خدا اغلب مشاهده خود را به ما عنایت می‌کند یا در رؤیا بر ما ظاهر می‌شود، جدا کرد و همین‌طور از باور به مصونیت متون مقدس و اموری از این قبیل. زیرا این امور بیشتر چیزی جز ابراز ساده‌لوحی یا گرایش به باور تلقینات نیستند و شاید در بیشتر موارد با هوشیاری ناکافی عقل انتقادی و ترکیبی، پیوند داشته باشند.

من عرفان را باور یا دیدگاه تعریف کرده‌ام، اما معنای آن در حقیقت بسیار بیش از این است. در زندگی عارفان راستین، باورها تأثیر سازنده مهمی داشته‌اند. این باورها صرفاً [همچون تاریخ فلسفه] ثبت و ضبط عقلانی نظریات یا تجربه‌های گذرا نیستند، بلکه بیانگر آهنگ پویا و غالب شخصیت عارفان‌اند همچنان که پیشرفت می‌کنند و خود را به کمال می‌رسانند. عرفان نظریه عقلانی نیست؛ اساساً اصل فعال، سازنده، آفرینشگر، تعالی‌بخش و شرافت‌بخش زندگی است. من در اینجا به اشعار یا اندیشه‌هایی که تنها دربرگیرنده باورهای عرفانی هستند نپرداختم، بلکه صرفاً به آنهایی اشاره کرده‌ام که بیان بیرونی شکوفایی حقیقی و درونی زندگی در اشخاصی هستند که کوشیده‌اند تا در زندگی قدیسانه عرفان زیست کنند. عرفان عبارت است

1. Ecstatic Communion

2. devotional

از درک معنوی اهداف و مسائل زندگی به شیوه‌ای بسیار واقعی‌تر و غایی‌تر از آنچه برای عقل محض امکان‌پذیر است. حیات شکوفای عرفان به معنای صعود تدریجی در سطح ارزشها و تجربه و آرمانهای معنوی است. به معنای دقیق کلمه عرفان در پیشرفت خود ابعاد بسیار دارد و به همان غنا و کمال خود زندگی است. با در نظر گرفتن این دیدگاه، عرفان بنیاد همه ادیان است، به ویژه آن گونه که دین در زندگی دینداران واقعی به ظهور می‌رسد.

آشنایی با تجربه دینی هندی نشان می‌دهد که جز تجربه ارتباطی صمیمانه با خداوند، انواعی از تجربه‌های دینی و عرفانی وجود دارند. از این رو من تعریف خود را از عرفان جامع‌تر می‌سازم تا نه تنها عرفانهای اسلامی و مسیحی و صورتهای بهکتی هندی، بلکه گونه‌های دیگر عرفان هندی را نیز دربرگیرد. نمی‌توانم انتظار داشته باشم که تحلیلی جامع یا حتی بررسی نسبتاً کاملی از ابعاد اصلی انواع گوناگون عرفان هندی را در محدوده این شش گفتار عرضه دارم. از این رو تنها کوشیده‌ام تا طرح کلی مختصری از برخی از مهم‌ترین گونه‌ها مطرح و به پیوندهای متقابل آنها، گاه از نظر تبارشناختی و گاه از نظر منطقی، اشاره کنم. من همه ارجاعات به موضوعات فلسفی مرتبط را حذف کردم، زیرا می‌توانم بررسی جامعی از مسائل فلسفی را در کتاب دیگرم *تاریخ فلسفه هندی* (انتشارات دانشگاه کمبریج) یافت. جلد اول این اثر پیش‌تر منتشر شده و سایر مجلدات نیز در فرایند چاپ است.^۱

من ابتدا به توصیف عرفان مرتبط با قربانی پرداخته‌ام. این عرفان را با همه جزئیاتش نمی‌توان عرفانی از نوع برتر شمرد، اما بسیاری از جنبه‌های گونه‌های برتر عرفان را توسعه داد و نقطه آغاز تحول عرفان هندی را مشخص کرد. سپس چهار گونه اصلی عرفان را مورد بحث قرار داده‌ام: عرفانهای اوپنیشدی، یگایی، بودایی و بهکتی؛ گویانکه این گونه‌های خاص، خود شاخه‌های فراوانی دارند که نتوانستم به آنها وارد شوم. به برخی دیگر از گونه‌های کم‌اهمیت عرفان نیز اشاره کرده‌ام. افزون بر این،

۱. سالهاست که مجموعه این اثر ارزشمند پنج جلدی که بارها در انتشارات کمبریج و سپس در هند به چاپ رسیده است در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد و هنوز هم در حجم و جامعیت، مهم‌ترین و معتبرترین اثری است که در زمینه تاریخ فلسفه هندی نگاشته شده است. (مترجم)

عرفانهای دیگری نیز وجود دارند که دارای ماهیتی ترکیبی‌اند و عناصری از باورها و تکالیف دو یا سه گونه متفاوت از عرفان را به صورت ترکیبی به نمایش می‌گذارند. من نتوانستم همه آنها را معرفی کنم. با وجود این گونه‌های پنج‌گانه اصلی را که در اینجا توضیح داده‌ام، می‌توان گونه‌های بنیادین شمرد. با آنکه در توضیح و تشریح آنها بسیار بیش از این می‌شد سخن گفت، اما به همه ویژگیهای برجسته آنها به اختصار اشاره و عمده مطالب مستقیماً از منابع اصلی گرفته شده است. امیدوارم در آینده این فرصت را بیابم تا دوباره و با تفصیل بیشتری به این موضوع بپردازم.

شاید بر این اثر باید عنوان «پیشرفت عرفان هندی»^۱ را می‌نهادم، اما ممکن بود واژه «هندی» یا Indian [با توجه به کاربرد آن درباره بومیان آمریکا] در آمریکا به برداشت نادرست بینجامد، از این رو عنوان «عرفان هندو» را برای اثر حاضر برگزیدم، یعنی تعبیر «هندو» را جایگزین «هندی» کردم.^۲ واژه «پیشرفت» را نیز حذف کردم تا هیچ نشانی از اصطلاحات عبوس فنی نداشته باشد. به همین دلیل نشانه‌های آوایی را نیز [از واژه‌های سنسکریت] حذف کردم.

اکنون مشتاقانه وظیفه خود می‌دانم تا از کمیته سخنرانی بنیاد هریس که با دعوت اینجانب، افتخار طرح این سخنرانیها را به بنده دادند، سپاسگزاری نمایم، همین‌طور سپاس خود را به ریاست محترم والتر دیل اسکات^۳، پروفیسور ادوارد ال. شائوب^۴، و پروفیسور تی. دبلیو. کوچ^۵، دبیر کمیته، ابراز می‌دارم. با نظر به اعتبار و جایگاه رفیع شخصیتهای سخنران پیش از خود، که دانشمندانی برجسته در شاخه علمی مربوط به خود بودند، از عرضه ناچیز خود بسیار شرمگینم. در آمریکا آنقدر لطف و مهمان‌نوازی در حق من شد که همیشه از این کشور بزرگ با قدرشناسی،

1. The Development of Indian Mysticism

۲. عنوان اثر حاضر *Hindu Mysticism* یا «عرفان هندو» است که در ترجمه حاضر، با توجه به دقت بیشتر تعبیر «هندی» که برخلاف تعبیر «هندو»، همه جریانهای فکری و عرفانی موجود در هند، از جمله بودایی، را دربرمی‌گیرد، و نیز نبود مشکل فوق در میان پارسی‌زبانان، همان تعبیر «هندی» ترجیح داده شد.

3. Walter Dill Scott

4. Edward L. Schaub

5. T. W. Koch

هواخواهی یا تحسین یاد خواهم کرد. اما هیچ گاه نمی توانم آن گونه که شایسته است سپاس و امتنان خود را نسبت به پروفیسور ادوارد ال. شائوب ابراز دارم. وی مسئول دعوت من به دانشگاههای امریکا بود، و همو گشاده دستانه مرا در ملاحظه این گفتارها از آغاز تا انجام زمان چاپ و همین طور با پیشنهاد تغییرات فراوان در سبک و عبارات، یاری رساند. از ادب و مهربانی ایشان که برای همیشه نام ایشان را نزد من عزیز گردانیده، چیزی نمی گویم.

اس. ان. داسگپتا

کلکته، هند، ۱۹۲۷

www.ketab.ir